

نقش مؤلفه‌های پلی‌نومی در قدرت ج.ا.ا.

محمدحسین دادرس^۱

علیرضا شفیعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹

چکیده

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده است مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای تأمین منافع ملی خود ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند. از دیدگاه سنتی، عوامل ژئوپلیتیکی، از جمله عوامل تعیین کننده تولید امنیت و قدرت یک کشور در عرصه بین‌الملل تلقی می‌شوند. لیکن در قرن حاضر مؤلفه‌های قدرت و به تبع آن امنیت نیز از شکل سنتی خود خارج شده و با شاخص‌های دیگری سنجیده می‌شوند، طبیعتاً جهت دستیابی به قدرت فقط توجه به ژئوپلیتیک کشور نمی‌تواند راهگشا باشد؛ بلکه توجه به جایگاه ژئواکونومی و ژئوکالچر نیز باید مدنظر قرارگیرد.

پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی نظری قدرت و ابعاد آن تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی و تبیین نقش عوامل و مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچری) در قدرت ج.ا.ا. بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای استفاده حداکثری از موقعیت ژئوپلیتیکی در راستای ارتقا قدرت ملی ج.ا.ا.، توجه جدی به اهداف بلند مدت یعنی ایده حکومت جهانی اسلام، ایجاد جبهه متحد اسلامی و تحقق صلح و امنیت بین‌المللی؛ اهداف میان مدت یعنی ترویج ارزشهای دینی، کسب، حفظ و ارتقا سطح پرستیژ، حضور فعال و مؤثر در صحنه بین‌المللی؛ و همچنین اهداف حیاتی یعنی رفاه اقتصادی، صدور نفت و دستیابی به بازارهای فروش منطقه، تمامیت ارضی، امنیت ملی و وحدت ملی، دستیابی و بهره‌برداری مناسب حداکثری از تکنولوژی‌های پیشرفته و به‌ویژه نظارت و هدایت حداکثری فضای مجازی و فرهنگ‌سازی در استفاده از قابلیت‌های این فضا مورد تاکید است.

واژگان کلیدی: نظام بین‌الملل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ژئوکالچر، قدرت، ج.ا.ا.

۱- استادیار مدیریت راهبردی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا (m.h.dadras@chmail.ir)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پدافند غیرعامل با گرایش امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی (mt_121s@yahoo.com)

مقدمه و بیان مسئله

دستیابی به قدرت، دلیل اصلی رقابت‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و نیز شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر همین اساس نظم اجتماعی و روابط کشورها و انسان‌ها نیز شکل می‌گیرد. قدرت توانایی یک بازیگر را در استفاده از منابع و امکانات در جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود نشان می‌دهد. از همین رو برخی قدرت را کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌دانند (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۲).

جهان ژئوپلیتیک در سرآغاز قرن بیست و یکم، بی‌تردید، وارد دوران تازه‌ای با ویژگیهای ژئوپلیتیک تازه می‌شود که شاید نوید دهنده فرا آمدن دوران پست مدرن باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۴۶). فرآیندهای جهانی شدن، منطقه‌گرایی و تجزیه ژئوپلیتیکی به صورت چالشهای نوین برای ژئوپلیتیک ظاهر شده‌اند. برتری حکومت ملی (در پیوستگی با سیستم بین‌المللی) به چالش کشیده شده و نقش و کارکرد دولتها به عنوان نهادها و الگوهای دولتی به دنبال یک سلسله توسعه‌ها متحول شده است. رشد سازمانها، آژانسها، و شرکتهای چند ملیتی توانایی دولت را برای تنظیم و تصویب قوانین به چالش کشانده است. نخبگان دولتی و مدیران اقتصادی مجبور به اجرای برنامه‌هایی شده‌اند که با نیازهای بازارهای پولی بین‌المللی، تعهدات بین‌المللی و جریان سرمایه سازگار باشد.

در ژئوپلیتیک جدید با توجه به آنکه ساختار جدیدی از قدرت و سلسله مراتب آن بوجود آمده است، تحولات بوجود آمده در ساختار قدرت جهان به زیان ابزار و اهرم نظامی و به سود عوامل اقتصادی و دانش فنی تغییر کرده است. ذکر این نکته ضروریست که در ژئوپلیتیک جدید نیز، قدرت نظامی در سلسله مراتب تشکیل دهنده قدرت، مؤلفه‌ای مهم به‌شمار می‌آید، لیکن نقش آن در مقابل قدرت اقتصادی در درجه دوم اهمیت واقع شده است (احمدی پور، ۱۳۷۶: ۱۰).

در عصر کنونی عناصر سازنده فرهنگ ملتها، اعم از ارزشها و هنجارها، آداب و رسوم و حتی زبان، در تأثیر و تأثری فزاینده بین ملتها و بین دولتها قرار گرفتند؛ دگرگونی الگوهای رفتاری و افول غلبه آموزه‌های فرهنگی در چهارچوب مرزهای سیاسی، به ورود مفهومی جدید در ساختار ژئوپلیتیکی کشورها در دهه ۱۹۶۰ انجامید که پس از پایان جنگ سرد در ابعادی وسیع و متنوع، کاربرد پیدا کرد. این مفهوم به جهانی شدن موسوم گشته است (قوام، ۸۸، ۱۳۸۲). ایران کشوری است که از فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده و مردم کشور فارغ از اختلاف در قومیت، مذهب و زبان همگی ملت ایران را تشکیل داده‌اند. با

این حال، علیرغم وجود پتانسیل‌های فرهنگی فراوان در کشور ایران به لحاظ قدمت و تجانس کمتر به مقوله فرهنگ در ساختار ژئوپلیتیکی توجه شده است و روابط این کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی بیشتر بر اساس مصالح سیاسی شکل می‌گیرد. می‌توان اذعان داشت موقعیت ژئوپلیتیکی در کنار برتری‌های ژئواکونومی و ژئوکالچری که از آنها به پلی‌نومی^۱ یاد می‌شود به ایران ارزش و اعتبار بخشیده و در صورت استفاده و بهره‌برداری صحیح از این فرصت می‌تواند به‌نوعی منجر به برتری منطقه‌ای و نقش آفرینی بیش از پیش ج.ا.ا در روابط بین‌المللی شود.

از اینرو با عنایت به اینکه مؤلفه‌های قدرت کشورها در دوره‌های زمانی مختلف دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند و هر زمان به تناسب تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری این مؤلفه‌ها تغییر یافته‌اند، در این پژوهش برآن شدیم تا به بررسی و تبیین نقش عوامل و مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر) در قدرت ج.ا.ا بپردازیم.

با توجه به موارد اشاره شده بررسی نقش عوامل و مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچری) در قدرت جمهوری اسلامی ایران دغدغه و مسئله این پژوهش است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از قرن‌ها قبل کشور ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود، پیشینه تاریخ و تمدن غنی و همچنین منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) نقش ارزنده‌ای در استراتژیهای ژئوپلیتیک داشته و همواره در کانون توجه قدرتهای جهانی بوده است. از این رو کسب قدرت و بزرگی، چیزی دور از ذهن و غریب نمی‌باشد. اما ذکر این نکته ضروری است که، تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی آن است. همسایگان، محورهای ارتباطی و مسیرهای هجوم بر مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی و فرهنگی تأثیر مستقیم می‌گذارد و تجربه تاریخ نیز، در قالب‌ریزی آن خصوصیات که با اسامی گوناگون فرهنگ سیاسی یا خصوصیات ملی مشخص می‌گردد، تأثیر زیادی دارد. اگر نگاهی به وضعیت فعلی سطح‌بندی قدرت در منطقه جنوب غربی آسیا بیافکنیم متوجه برخی برتری‌های ایران در نزد همسایگان می‌شویم که این برتری‌ها به صورت بالقوه می‌باشند و برای بالفعل کردن آنها، شناخت مؤلفه‌ها و فرصت‌های پیشرو برای برنامه‌ریزی و بهره‌برداری نقش حیاتی دارد.

بنابراین اهمیت و ضرورت توجه بیش از پیش به مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچری) که در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. موثرند به روشنی هویداست.

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تبیین نقش مؤلفه‌های پلی‌نومی بر قدرت ج.ا.ا. می‌باشد.

اهداف فرعی پژوهش

۱- تبیین نقش مؤلفه‌های ژئوپلیتیک بر قدرت ج.ا.ا.

۲- تبیین نقش مؤلفه‌های ژئواکونومی بر قدرت ج.ا.ا.

۳- تبیین نقش مؤلفه‌های ژئوکالچر بر قدرت ج.ا.ا.

پرسش اصلی پژوهش

مؤلفه‌های پلی‌نومی چه نقشی بر قدرت ج.ا.ا. ایفا می‌نمایند؟

پرسش‌های فرعی پژوهش

۱- مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی چه نقشی بر قدرت ج.ا.ا. ایفا می‌نمایند؟

۲- مؤلفه‌های ژئواکونومی چه نقشی بر قدرت ج.ا.ا. ایفا می‌نمایند؟

۳- مؤلفه‌های ژئوکالچری چه نقشی بر قدرت ج.ا.ا. ایفا می‌نمایند؟

فرضیه اصلی پژوهش

بهره‌گیری مناسب از مؤلفه‌های پلی‌نومی می‌تواند در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. موثر باشد.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱- بهره‌گیری مناسب از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. موثر باشد.

۲- بهره‌گیری مناسب از مؤلفه‌های ژئواکونومی می‌تواند در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. موثر باشد.

۳- بهره‌گیری مناسب از مؤلفه‌های ژئوکالچری می‌تواند در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. موثر باشد.

روش تحقیق

به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش و برای بررسی فرضیه مطروحه با روش توصیفی-تحلیلی به شیوه اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی و تبیین نقش عوامل و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر در ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا. پرداخته و نتایج حاصل از آن تبیین شده است.

پیشینه تحقیق

در حوزه مؤلفه‌های قدرت ملی، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی و پژوهش‌های فراوانی انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ ولی هیچ کدام از آنها به نقش مؤلفه‌های پلینومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچری) ج.ا. در تولید قدرت ملی نپرداخته‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران» در فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، خانم فرحناز مایل افشار با هدف بررسی جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران در تولید قدرت و امنیت به این نتیجه رسیده است که، در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش حیاتی به‌خصوص در منطقه خاورمیانه به طور اعم و خلیج فارس به طور اخص است. زیرا تنها کشوری است که از امکانات ویژه‌ای برای بازیگری در خلیج فارس برخوردار است، بر سراسر کرانه شمالی آن تسلط دارد و از لحاظ ژئوپلیتیکی باید رهبری آن را در دست داشته باشد.

خانم زهرا پیشگاهی‌فرد و آقایان محمدباقر قالیباف، مهدی پورطاهری و علی صادقی در فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱ زمستان ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران» با رویکردی توصیفی-تحلیلی به شناسایی عوامل و مؤلفه‌های قدرت نرم پرداخته و جایگاه این مؤلفه‌ها را در قدرت نرم ایران بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های قدرت نرم در مجموع اثرگذاری مثبتی بر قدرت ملی ایران دارند، اما کشور ما نتوانسته است از مؤلفه‌های فراملی موثر بر قدرت نرم، بهره‌برداری بهینه و مناسبی کند.

در مقاله دیگری با عنوان «جغرافیا و قدرت ملی ایران» در نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۳، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۹، آقای حسن کامران و همکارانش ضمن معرفی بستر اصلی و مبانی تعیین کننده قدرت ملی کشورها به تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار در قدرت ملی و همچنین وضعیت ایران از لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های قدرت آفرین پرداخته‌اند.

مباحث نظری

قدرت ملی

قدرت، توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است. زمانی که قدرت (توانایی اعمال اراده) در قالب افراد یک جامعه (ملت) مد نظر باشد، می‌توان توانایی‌های جامعه را قدرت ملی آن جامعه نامید. قدرت را جوهر سیاست دانسته‌اند زیرا به سیاستمدار و رهبر سیاسی توانایی تولید نتایج مورد نظرش را

می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۶). بین قدرت ملی یک کشور و میزان نقش آفرینی آن کشور در روابط بین‌الملل، رابطه مستقیمی وجود دارد (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). در مناسبات بین واحدهای سیاسی و نیز در عرصه نظام بین‌الملل قدرت را در دو دسته قدرت سخت (محسوس) و نرم (نامحسوس) دسته‌بندی نموده‌اند. کشوری قدرتمند است که بتواند با درک وزن هر یک از آنها در مقاطع و مناطق مختلف، راهبرد ملی و فراملی خود را تنظیم کند. منابع محسوس عبارتند از: جغرافیا؛ وسعت سرزمین؛ منابع ملی و اقتصادی؛ توان نظامی؛ و جمعیت.

منابع نامحسوس نیز عبارتند از: کیفیت رهبری و حکومت ملی؛ اراده تخصیص منابع به دست یافتن بر هدف‌های ملی؛ روحیه انضباط، لیاقت و کیفیت؛ توان بالقوه اتحاد دولت؛ و سطح آگاهی سیاسی در میان مردم (عالم ۱۳۷۶: ۹۴).

ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با وجود این، ثبات و تأمین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابد که ایران توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور طراحی و تدوین نماید (میرشاهی www.rastak.com).

مهمترین منابع و قابلیت‌های تولید قدرت ج.ا. عبارتند از: ارزش‌های فرهنگی و ایدئوژیک؛ وجهه بین‌المللی؛ دیپلماسی فعال و مؤثر؛ رسانه؛ سرزمین و نام ایران؛ موقعیت جغرافیایی و استراتژیک؛ منابع معدنی و اقتصادی؛ تاریخ و جاذبه‌های تمدنی؛ قومیت و نژاد؛ جذب مهاجرین به‌ویژه دانشجویان خارجی؛ حضور در مجامع بین‌المللی؛ تقریب مذاهب (پیشگاهی‌فرد و دیگران ۱۳۹۰: ۱۹۱-۲۱۱).

برخی از مهمترین عواملی که می‌تواند قدرت ملی ایران را تحت تأثیر منفی قرار دهد یا تضعیف کند، موارد زیر است:

✓ فساد اداری: فساد پدیده‌ای است که هم در حکومت‌های اقتدارگرا و هم در حکومت‌های مردم‌سالار وجود دارد، اما در کشورهای مردم‌سالار امکان مقابله با آن بیشتر است. فساد می‌تواند مشکلاتی از جمله تضعیف امنیت اقتصادی، بی‌ثباتی در کشور، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی، اختلال در سرمایه‌گذاری خارجی، انحراف اولویت‌ها و اعتبارات، تضعیف یا انحراف و فرار استعدادها، و افزایش هزینه‌های جاری و تجاری را به دنبال داشته باشد.

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت^۱ در سال ۲۰۰۷ کشور دانمارک با کسب نمره ۹/۴ رتبه نخست و میانمار با ۱/۴ رتبه ۱۷۹ را داشته‌اند. رتبه ایران در جهان نیز با نمره ۲/۵، ۱۳۱ بوده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۷).

✓ مشکلات اقتصادی و نارضایتی حاصل از آن به ویژه بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (و روشنفکران جامعه).

✓ ضعف تولیدات برنامه‌های ارزشی و فرهنگی که گرایش به برنامه‌های مختلف ماهواره‌ای و سایتهای اینترنتی را به دنبال دارد.

✓ اختلافات مرزی با همسایگان از قبیل اختلاف در تعیین حدود مرزهای دریایی در خلیج فارس و دریای خزر، مواد مخدر، حضور گروهک‌های تروریستی در حاشیه مرزها و....

✓ عدم حمایت از تولیدات داخلی و نیز واردات بدون برنامه (پیشگاهی‌فرد و دیگران ۱۳۹۰: ۱۹۱-۲۱۱).

ژئوپلیتیک

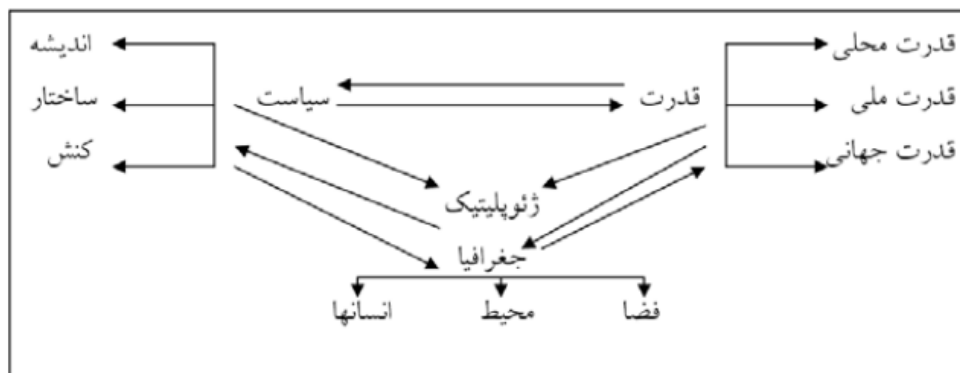
تعریف مفهومی ژئوپلیتیک همچنان که از ترکیب واژگانی آن مشهود است به چگونگی پیوند جغرافیا و سیاست بر می‌گردد. واژه ژئوپلیتیک از دو بخش ژئو به معنای زمین و پلیتیک به معنای سیاست تشکیل شده است.

ژئوپلیتیک بخشی از علوم جغرافیایی است که به تحلیل مسایل منطقه‌ای و جهانی و ارتباط متقابل آن با ساختار اقتصادی و سیاسی محلی می‌پردازد. جغرافیدانان سیاسی معتقدند قدرت به‌شدت متأثر از عوامل محیط جغرافیایی است.

در مطالعات ژئوپلیتیکی جغرافیدانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی به خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت، منابع و غیره) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر وقایع و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی

^۱ - Transparency International Organization

کشور را تعیین نمایند. به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قائل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را مفهومی ترکیبی از سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست دانسته و موضوع ژئوپلیتیک را روابط متقابل آنها می‌داند.



مدل ارائه شده توسط دکتر حافظ‌نیا (منبع: فصلنامه ژئوپلیتیک شماره ۱ صفحه ۸۶) ژئوپلیتیک به عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ»، به دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی که در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را به آنها می‌دهد. آنها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند ((حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۱۷).

از دیدگاه دکتر «عزت الله عزتی» عوامل مؤثر در قدرت و ژئوپلیتیک عبارت است از:

الف- عوامل ثابت شامل: فضا و تقسیمات آن؛ سرزمین یا قلمرو؛ وسعت خاک؛ عوامل طبیعی و گذرگاه‌ها؛ و شکل کشور. ب - عوامل متغیر شامل: جمعیت و سکنه؛ منابع طبیعی؛ و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (عزتی ۱۳۸۰: ۷۵-۱۰۵).

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل دهنده نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ آمریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در

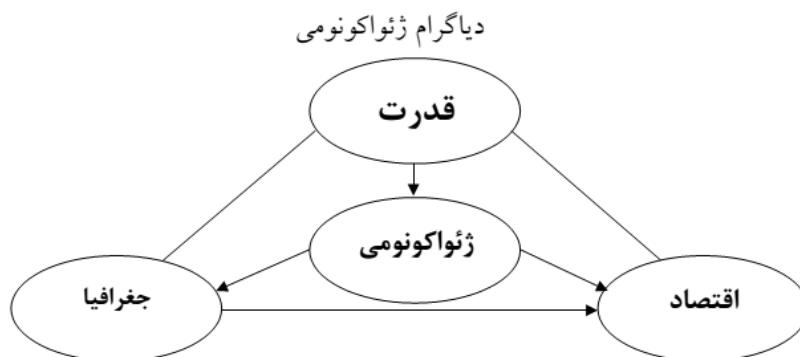
تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن اینکه با برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه خلیج فارس، جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند (ایزدی ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸).

ژئواکونومی

ژئواکونومی عبارت است از مطالعه اثرگذاری زیربنای اقتصادی در محیط کشور، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی. نظام دگرگون‌شونده کنونی پس از گذشتن از مرحله پیگیری ایدئولوژی در هم‌آوردی‌های ژئوپلیتیک جهانی، وارد دوران پست مدرن می‌شود که یکسره به کارکرد زیربنای اقتصادی در شکل دادن به ژئوپلیتیک جهانی تعلق دارد و جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد نظام جهانی پست مدرن را شکل می‌دهد (مجتهد زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

ژئواکونومی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک (ژئواستراتژی و هیدروپلیتیک) نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست. چرا که هر یک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد؛ یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه رقابت‌های قدرتی است، ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی از شرایط موجود را ارائه می‌دهد و جنبه ژئواکونومیک به خود می‌گیرد (قلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶).

در حقیقت ژئواکونومی از ترکیب ۳ عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹).



منبع: عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹

امروزه رقابت ژئواکونومی قدرت‌های بزرگ برسر مناطق خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی در کنار اهمیت ژئواستراتژیک این مناطق، تا حدود زیادی متاثر از اهمیت ژئواکونومی آنها می‌باشد. هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دستیابی به استیلای بازرگانی و تجاری است که در نهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد. در این دوره به دست آوردن سود یک بازار به معنای از بین بردن دشمن یا حذف رقیب است. به عبارتی در حال حاضر آنچه ظاهراً می‌تواند بیشترین تاثیر را حتی در مسائل امنیتی داشته باشد اقتصاد است و این نکته‌ای است که مد نظر راهبردهشناسان آمریکایی و نیز رقبای اروپایی قرار دارد. ایالات متحده آمریکا آنچنان که پیداست قصد دارد تا اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های تازه و موثری را با متحدان و همفکرانش در سراسر دنیا ایجاد کند تا قادر باشد علاوه بر حفظ بازارهای سابق خود، بازارهای جدیدی را هم جهت فروش محصولات و اقلام صادراتی و نیز تامین مواد خام اولیه برای صنایع خود فراهم آورد تا در رقابت اقتصادی با رقبای تازه نفس عقب نماند. چنانچه نفت یک عامل برانگیزنده اصلی در تهاجم آمریکا به عراق بود (مهدیانی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

توزیع جهانی انرژی شامل: نفت ۳۸٪ انرژی‌های اولیه را دربر می‌گیرد، ذغال‌سنگ ۲۶٪، گاز طبیعی ۲۰٪، انرژی‌های هسته‌ای و برق آبی ۱۶٪ و بقیه انرژی‌های موجود نظیر باد، قدرت امواج، گرمای زمین و انرژی خورشیدی کمتر از ۱٪ می‌باشد (گروه ریامونت، ۱۳۷۸: ۲۱۷).

ذخایر نفتی کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) به ترتیب عربستان ۱۸/۶٪ ذخایر جهانی، عراق ۱۱/۲٪ ذخایر جهانی، ایران ۱۰/۴٪ ذخایر جهانی، ابوظبی ۱۰/۳٪ ذخایر جهانی، و کویت ۱۰/۳٪ ذخایر جهانی بیشترین کشورهای صاحب انرژی در خاورمیانه هستند. همچنین توزیع

گاز جهانی شامل ایران با ۱۲/۹٪ ذخایر جهانی، ابوظبی با ۴/۸٪ ذخایر جهانی، قطر با ۴/۱٪ ذخایر جهانی و عربستان سعودی با ۳/۷٪ ذخایر جهانی بیشترین کشورهای صاحب گاز هستند (همان: ۲۱۸).

از دیدگاه کمپ و هارکاوای که متأثر از نظریه هارتلند مکیندر است، از بیضی استراتژیک و هارتلند انرژی (نفت و گاز) جهان یاد می‌شود که ایران در مرکز آن قرار دارد. آنها معتقدند که سرزمین ایران قلب جهان می‌باشد، و علاوه بر داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان، در مرکز دو کانون بزرگ انرژی جهان یعنی حوزه دریای خزر و حوزه خلیج فارس قرار دارد (کمپ و هارکاوای، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

جفری کمپ، معتقد است که خلیج فارس در کنار دریای خزر، دو منطقه تأمین کننده انرژی در سده بیست و یکم هستند و از آن به عنوان بیضی استراتژیک انرژی یاد می‌کند (کمپ، ۱۹۹۷: ۱۶). در این راستا می‌توان گفت که ایران از طریق ژئوپلیتیک انرژی به وزن ژئوپلیتیکی بیشتری در سطح منطقه و جهان رسیده است (گل افروز، ۱۳۹۴: ۲۰۶).

کشور ایران به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲) و با استفاده از این پارامترها می‌تواند تبدیل به قدرت برتر منطقه‌ای شود (اخباری، ۱۳۸۵).

طبق برآوردها، اقتصاد جهانی تا آینده قابل پیش بینی هم چنان به انرژی نفت وابسته خواهد ماند و ایران به عنوان یکی از مهم ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان در سطوح امنیت جهانی انرژی نقش تعیین کننده‌ای را برعهده دارد و با داشتن ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت ۱۰/۹ درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است. در زمینه گاز طبیعی نیز، ایران با ۲۹/۶۱ تریلیون مترمکعب ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان در مقام اول خاورمیانه و دوم جهان قرار دارد که عمر آن نیز بر اساس تولید فعلی بیش از ۲۰۰ سال می‌باشد. سه حوضه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) و در یک محدوده بیضی شکل ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده‌اند (bp، ۲۰۰۹). statistical review of world energy که از آن تحت عنوان بیضی استراتژیک ذخایر گازی جهان یاد می‌شود. این ذخایر عظیم گازی در میان دو بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا قرار گرفته است (ویسی ۱۳۸۷: ۳۰۲). بنابراین، ایران

با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به وسیله خطوط لوله به مصرف‌کنندگان آسیایی، برخوردارست. لذا، ایران کشوری است که امنیت آن و محیط پیرامونش برای محافل بین‌المللی اهمیت دارد.

از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی موقعیت ایران یک موقعیت ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت امریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است. در جهانی که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای ایران اهمیتی استراتژیک دارد. در این رابطه تعامل ایران با کشورهای منطقه و جهان و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای برای استفاده از مزیت‌های ایران در زمینه انرژی، خود زیر بنای محکمی برای تأمین امنیت کشور و جلوگیری و یا محدودسازی تهدیدات کشورهای مخالف ایران است. در واقع می‌توان در این چارچوب ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج است و از این حیث دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور به صورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می‌یابند. در سال‌های اخیر، سیاست برقراری پیوند راهبردی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آسیایی، به عنوان حرکتی اقتصادی و نیز در جهت امنیت ملی کشور طراحی و پیگیری شده است. برقراری ارتباط با شرکت‌های آسیایی، با اولویت و محوریت کشورهای چین، هند، ژاپن به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه مصرف‌کنندگان فعلی و آتی جهان و قطب مصرف آسیا، در اجرای همین سیاست بوده است. همچنین تلاش در جهت تحقق ایده اتصال چین به خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند را می‌توان گام نخست و اساسی در جهت نیل به وابستگی متقابل آسیایی دانست. زیرا در صورت تحقق این ایده، غرب آسیا و ایران، نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی شرق و جنوب این قاره بر عهده خواهند گرفت و در نتیجه وابستگی متقابل دو سوی قاره را معنادار خواهند کرد. به علاوه، تحقق خط لوله گاز میان هند و پاکستان که از آن به عنوان «خط لوله صلح» نیز نام برده می‌شود، تأثیرات عمده‌ای در حل یکی از مهم‌ترین بحران‌های قاره آسیا (اختلافات کشمیر میان هند و پاکستان) خواهد داشت و گامی اساسی در بخش مهمی از این قاره خواهد بود. بر این اساس یکی از راه‌هایی که

ایران می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۱۸)

ژئوپلیتیک فرهنگی (ژئوکالچر)

موقعیت و نقش فرهنگ یک کشور اغلب بیان‌کننده یکپارچگی اجتماعی و همدلی سیاسی آن محسوب می‌شود. این امر به عنوان مهم‌ترین منبع سیاسی تشکیل‌دهنده یکپارچگی ملی (اتحاد) و پایداری سیاسی است، بنابراین صعود و یا سقوط فرهنگی یک کشور ضربه‌ای اساسی به توسعه کشور و در نهایت بر افزایش یا کاهش قدرت ملی آن کشور دارد (Zhang, 2001: 28). ژئوکالچر ترکیبی از فرآیندهای مکانی-فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط کار یکپارچه به سر می‌برند (حیدری، ۱۳۹۰: ۹۳).

می‌توان گفت ژئوکالچر از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و فرهنگ شکل گرفته است و سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به فرهنگ داده است.

دیاگرام ژئوکالچر



منبع: نگارنده، اقتباس از دکتر عزتی

ژئوکالچر یعنی اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر باشد (روشن ۱۳۸۵: ۱۳۰).

ساختار فرهنگی ملت ایران را عناصری متعددی تشکیل می‌دهد، این عناصر از مهمترین عوامل همبستگی ایرانیان می‌باشد. ابعاد مشترک فرهنگ ایرانی (ازجمله مفاخر ملی، آداب و رسوم، آثار ادبی، هنر، آثار باستانی و...) که هویت ملی را شکل داده، موجبات تفاهم، همبستگی و همدلی را فراهم می‌آورد؛ رشته‌های مودت و وفاق ملی را استحکام می‌بخشد و وحدت ملی (که یکی از پایه‌های امنیت ملی می‌باشد) را تضمین می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۱).

در کنار این مولفه‌ها، هنر موسیقی با قدمت جهانی آن در این سرزمین در کنار زورخانه‌ها، تعزیه‌ها و گونه‌هایی از بازی‌ها و سرگرمی‌ها (همچون چوگان) در گروه‌های سنی (مرد و

زن) و در جوامع سنتی (روستاها- ایلات)، با آنچه در شهرها به صورت جزیی از فرهنگ شهر درآمده، مانند شرکت در مجامع هنری، باشگاه‌ها، تماشاخانه‌ها، تئاترها و سینماها نوعی جلب توجه جهانی از جمله مسایلی است که از دوران باستان در ایران دارای اهمیت بوده و در شرع مقدس اسلام نیز بر آن تأکید بسیار شده است (کلاه چیان، ۱۳۸۷: ۲۰۷) این مجموعه مؤلفه‌های ژئوکالچر زیربنای ژئوپلیتیک ایران هستند.



منبع: اقتباس از (قرخلو، ۱۳۸۲، ۷۵)

تماس‌های فرهنگی بدون شک تأثیر زیادی در مبارزه با احساسات منفی درباره یک کشور خواهند داشت. جذب مهاجرین به‌ویژه دانشجویان خارجی، مبادلات علمی و دانشگاهی (استاد و دانشجو) برپایی تئاترها و کنسرت‌ها، نمایشگاه‌های مختلف، برگزاری مسابقات مختلف بین‌المللی و ورزشی، تبادل ورزشکار و... از جمله موارد اثرگذار در قدرت نرم به شمار می‌روند. الگ کالوگین^۱، یکی از مقامات بلندپایه ک. گ. ب. (و تحصیل کرده آمریکا) گفته بود: با نگاهی به گذشته و قبل از ۱۹۷۷ می‌توان دریافت مبادلات (دانشگاهی) برای اتحاد جماهیر شوروی همانند اسب تروا بود. این مبادلات نقش بزرگی در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند (نای، ۱۳۸۹: ۱۰۴). کالین پاول، وزیر امور خارجه ایالات متحده می‌گوید: من فکر می‌کنم برای کشور ما هیچ دارایی با ارزشمندتر از دوستی رهبران آینده جهان که در اینجا تحصیل کرده‌اند، نیست. دانشجویان بین‌المللی که معمولاً با درک بهتری از ارزش‌ها و نهادهای آمریکایی به خانه باز

۱. Oleg Kalugin

می‌گردند، گنجینه‌ای از حسن نیت را برای کشورمان تشکیل می‌دهند. بسیاری از دانشجویان پیشین هم اکنون در موقعیتهایی قرار گرفته‌اند که می‌توانند در نتایج سیاست‌هایی که برای ما مهم است، تأثیرگذارند (نای، ۱۳۸۹: ۱۰۲). به نظر می‌رسد ایران با وجود ۳ میلیون پناهنده افغانی و حدود ۵۰ هزار عراقی (<http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/516>) و امکانات بالقوه فراوان علمی و دانشگاهی نتوانسته است از این قابلیت مهم در پیشبرد اهداف و افزایش قدرت نرم خود بهره‌گیری. ژئوکالچر یعنی اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر باشد (روشن ۱۳۸۵: ۱۳۰).

در ادامه به برخی مفاهیم موثر در قدرت ملی در حوزه فرهنگ اشاره می‌شود: ژئوپلیتیک اقوام: آمارها نشان می‌دهد که عمده کشورهای جهان از وضعیت چندقومی بهره‌برده‌اند. از مجموع ۱۳۲ ملت، فقط ۱۲ کشور یعنی ۶/۴٪ از نظر قومی همگن هستند، در ۲۵ مورد یعنی ۱۳/۳٪ بیش از ۹۰٪ جمعیت کشور را یک قوم تشکیل می‌دهند، در ۲۵ مورد دیگر یعنی ۱۳/۳٪ بین ۷۵٪ تا ۹۰٪ جمعیت کشور یک قومی هستند، در ۳۳ دولت ۱۷/۶٪ بزرگترین گروه قومی بین ۵۰٪ تا ۷۴٪ جمعیت را دربر گرفته است و در ۳۹ مورد بقیه بزرگترین گروه قومی ۲۰/۸٪ جمعیت را شامل می‌شود. با نگاهی دیگر در ۵۳ کشور ۲۸/۳٪ به بیش از پنج گروه عمده و مهم تقسیم شده‌اند؛ یعنی قومیت به عنوان هسته مرکزی سازماندهی رقابت سیاسی در جهان حاضر است (حق‌پناه، ۱۳۸۲: ۵۴).

موضوع قومیت در رویکرد امنیتی یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به توسعه تحلیل می‌شود و این مهم در سرفصل منافع ملی هر کشور جایگاه مهمی را دارا می‌باشد. همگرایی اقوام ایرانی به سمت یکدیگر (حول محور ملی‌گرایی و رجحان آن بر قومیت‌گرایی) در طول سالیان متمادی به اثبات رسیده است و مصداق این مهم را در این موضوع به خوبی می‌توان مشاهده نمود که هرگاه گوشه‌ای از این پهنه سرزمینی مورد تهدید واقع شده (همچون دفاع مقدس)، قومیت‌های دیگر بدون توجه به اینکه آن مکان سکونتگاه قومی خاص است، خود را در این تهدید ملی سهیم و دخیل دانسته و به واکنش برخاسته‌اند.

می‌توان گفت بیشترین عامل همگرایی یا مرکز‌گرایی اقوام ایرانی عامل مذهبی می‌باشد. شعبیه دوازده امامی، مذهب مشترک نزدیک به اتفاق لرها، گیلانی‌ها، مازندرانی‌ها، تپورها، تات‌ها،

فارس‌ها، سیستانی‌ها، لک‌ها و تیموری‌هاست. وجدان و حافظه مشترک تاریخی و زبان مشترک، دیگر عوامل همگرایی استوار میان قوم‌ها است (کریمی‌پور، محمدی، ۱۳۸۸: ۵۵).

ذکر این نکته ضروری است که اگر ارزش‌های قومی با منافع و ارزش‌های ملی بود اما افراد قومیت ارزش‌های ملی را ارجح بر ارزش‌های قومی دانستند، در این حالت ارزش‌های قومی در پشتوانه ارزش‌های ملی قرار گرفته، به قدرت آن کشور کمک می‌کند و اگر افراد آن قومیت برای ارزش‌های قومی اهمیت بیشتر قائل باشند، قطعاً به بحرانی ختم می‌شود که باید در محاسبه مدیران آن جامعه مد نظر قرار گیرد (دادرس، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

ژئوپلیتیک شیعه: گسترش مذهب شیعه و شیعه گرایی در میان توده‌های مردم ایران از عناصر بسیار مهمی است که به بازپیدایی و تداوم حکومت سرزمینی در ایران کمک نموده است. ایرانیان با گرایش به تشیع توانستند ضمن مسلمان بودن و پذیرفتن دین الهی اسلام، از دید مذهبی نیز خود را از اعراب جدا و متمایز نشان دهند و هویت ملی و مذهبی جداگانه و مستقلی را نسبت به خلافت عربی جلوه‌گر سازند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰). چون حاکمیت ایران بر اساس مذهب شیعه شکل گرفته، بر استراتژی تقویت فرهنگ شیعی تأکید دارد (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۸).

توجه به این نکته ضروری است که اگر ژئوپلیتیک شیعه در تقابل با انسجام منطقه‌ای تسنن معنی دهد به شدت امنیت‌زداست و اگر با سایر فرق و مذاهب اسلامی منطقه تعامل و تبادل سازنده‌ای داشته باشد (تقریب مذاهب) قدرت آفرین خواهد بود.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه خلیج فارس موقعیتی بسیار ممتاز و ارزشمند برای کنترل و نفوذ بر شاهراه توزیع نفت را در مقیاس جهانی نمایان می‌سازد. در موقعیت خاورمیانه نیز ایران به لحاظ تولید نفت و گاز و توان اثرگذاری بر توزیع انرژی همواره مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای اثرگذار در معادلات بین‌المللی ایفای نقش می‌نماید. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر) مؤثر بر ارتقاء و کاهش قدرت ج.ا.ا به طور مختصر اشاره می‌شود:

مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر) مؤثر بر ارتقاء قدرت ج.ا.ا

- ✓ داشتن موقعیت مناسب جغرافیایی و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز، برگ برنده ایران در سیاست خارجی است که می‌توان از آن استفاده کرد؛
- ✓ داشتن بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان و در اختیار داشتن شمار زیادی جزایر استراتژیک؛
- ✓ تسلط بر نیمی از تنگه هرمز که روزانه بیش از ۴۰ درصد نفت جهان از آن صادر می‌شود؛

- ✓ از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند؛
- ✓ داشتن تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه خلیج فارس؛
- ✓ پل ارتباطی منحصربه‌فرد بین شرق و غرب، دریای خزر و خلیج فارس، آسیای مرکزی و آبهای آزاد؛
- ✓ موقعیت ترانزیتی مطلوب ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی برای انتقال تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان به بهترین شکل به دریای آزاد؛
- ✓ امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد؛
- ✓ برقراری صلح و امنیت در جنوب آسیا با قابلیت اتصال چین به خط لوله صلح گاز ایران - پاکستان - هند و برقراری ارتباط غرب و شرق آسیا؛
- ✓ برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، منابع فراوان نفت و گاز و داشتن منابع طبیعی دیگر نظیر معادن فلزی و سنگهای تزئینی؛
- ✓ بالابودن وسعت و سرانه فضایی کشور؛
- ✓ تنوع اقلیمی موجود در کشور که می‌توان توسط آنها الگوهای مختلف کشاورزی داشت؛
- ✓ منابع آب شیرین موجود در حاشیه ایران؛
- ✓ منابع انرژی خورشیدی؛
- ✓ جمعیت و نقش آن در دفاع؛
- ✓ دارابودن ویژگی‌های ژئوکالچر خاص که ریشه آن در دو مولفه مذهب (شیعه) و ملی (ایرانی) نهفته است؛
- ✓ دارا بودن حکومت شیعی و رهبری شیعیان جهان؛
- ✓ اتکاء به ایدئولوژی و تفکر شیعه با نگرش عدالت خواهانه و مشیت گرایانه، به همراه مبارزات آن در کنار اصل خدامحوری و روحیه شهادت طلبی، ظلم ستیزی و ایشار که سرلوحه مبارزات اسلامی این سرزمین بوده و هست؛
- ✓ تاکید برتقریب مذاهب در میان ملل اسلامی؛
- ✓ حوزه نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی در اطراف ایران مثل پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و در واقع جهان اسلام؛

- ✓ داشتن فرهنگ غنی و سابقه تمدنی کهن؛
- ✓ هویت و وفاق ملی که موجبات وحدت ملی را فراهم می‌آورد؛
- ✓ همگرایی اقوام ایرانی حول محور ملی‌گرایی؛
- ✓ وفاداری ملت به نظام اسلامی؛
- ✓ مؤلفه‌های پلی‌نومی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر) مؤثر بر کاهش قدرت ج.ا.ا.
- ✓ تراکم تهدیدهای پیرامونی؛
- ✓ مرزهای کنترل ناپذیر؛
- ✓ فقدان چتر حمایتی بین‌المللی؛
- ✓ بستر ناامن و حوادث طبیعی (زلزله سیل)؛
- ✓ بستر ناامن اجتماعی همسایگان در شرایط جنگ و گریز؛
- ✓ وابستگی غذایی و تسلیحاتی؛
- ✓ موقعیت تقریباً تک‌نقشی و تک‌محصولی در اقتصاد بین‌المللی؛
- ✓ وابستگی تکنولوژیکی؛
- ✓ سیستم اداری حجیم، متمرکز و هزینه‌بر؛
- ✓ الگوی نامتعادل توزیع جمعیت و تحرک غیر منطقی آن‌ها در کلان‌شهرها به‌ویژه تهران؛
- ✓ لزوم استراتژی جامعه کاربری بهینه منابع ملی. (مینایی، ۱۳۸۱: ۱۵۵)
- ✓ حضور کم‌رنگ در مجامع بین‌المللی به دلیل عدم عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که می‌تواند قدرت چانه‌زنی و دیپلماتیک ایران را در مسائل مختلف تحت تأثیر قرار دهد؛
- ✓ عدم توفیق در جذب مهاجرین به‌ویژه دانشجویان خارجی به عنوان یکی از فاکتورهای اثرگذار در قدرت نرم؛
- ✓ عدم توفیق در بهره‌برداری حداکثری از قابلیت‌های رسانه؛
- ✓ قابلیت‌های تهدیدکننده فضای مجازی در تغییر فرهنگ ایرانی - اسلامی و اشاعه فرهنگ غربی؛

جمع‌بندی

در فضای جدید جهانی، کشور ما در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته، به طوری که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و کارکرد این مناطق قدرت ایران را تحت تأثیر قرار داده است. جغرافیای وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی

جوان و مستعد، موقعیت ژئوپلیتیکی با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای، ساحل مناسب عملیاتی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان و شمار زیادی جزایر استراتژیک در جنوب و هم مرزی با دومین منبع نفت و گاز جهان در شمال و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. در خصوص نقش ایران در امنیت جهانی انرژی می‌توان گفت که ایران با قرار گرفتن میان دو انبار مهم انرژی یعنی دریای خزر و خلیج فارس اهمیت فوق‌العاده‌ای را در ژئوپلیتیک جهانی دارد و از نظر جغرافیایی نیز دارای موقعیت ارتباطی راهبردی برای انتقال نفت و گاز دو حوزه بزرگ انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر می‌باشد. در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش حیاتی به خصوص در منطقه خاورمیانه به طور اعم و خلیج فارس به طور اخص است. تعاملات ایران در نفت و گاز با ترکیه، چین، هند، ژاپن و بسیاری دیگر از کشورها به طور روزافزون در حال گسترش است که وابستگی‌های آنها را به ایران افزایش داده و موجب برخی از تبادلات امتیازی در صحنه سیاسی بین‌الملل خواهد گردید. بهره‌گیری مناسب از این ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و عنایت ویژه به موارد زیر می‌تواند در راستای ارتقاء قدرت ملی ج.ا.ا کارساز واقع گردد.

- ✓ حضور فعال در مجامع بین‌المللی و تشکیل ائتلاف‌های خنثی کننده در صورت لزوم و نیز پیمان‌های منطقه‌ای که می‌تواند قدرت چانه زنی و دیپلماتیک ایران را در مسائل مختلف افزایش دهد؛
- ✓ عضویت یا شرکت در سازمان‌ها و نهادهای مختلف ضمن مشروعیت بخشی با فراهم نمودن امکانات مختلف اقتصادی و فرهنگی و نیز تأمین منابع مالی می‌تواند در افزایش قدرت ملی اثرگذار باشد؛
- ✓ حضور فعال و تعیین کننده در فرآیندهای امنیتی منطقه با تلاش برای شکل بخشیدن به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای با حضور ج.ا.ا؛ ایفای نقش تصمیم‌سازی در مسائل امنیتی منطقه و مدیریت جمعی بحرانهای منطقه‌ای؛
- ✓ توجه به بازدارندگی همه جانبه؛
- ✓ اجتناب از درگیری نظامی یا استراتژیک با غرب؛
- ✓ جلوگیری از شکل گیری حکومت‌های متخاصم و وابسته به بیگانه به ویژه در مناطق همجوار؛

- ✓ بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی کشور در منطقه به‌ویژه محورهای ترانزیتی شمال، جنوب و غرب و شرق؛
- ✓ فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم اقتصادی به منظور مشارکت فعال در فرآیندهای اقتصادی منطقه‌ای نظیر اکو؛
- امروزه تهدید نرم یعنی دگرگونی و تغییر در هویت فرهنگی و ارزش‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی بسیار اهمیت یافته است. زیرا در کنار تغییر هویت ملی و فرهنگی، کشور مهاجم بدون منازعه و تهاجم؛ ارزش‌ها و هویت‌های مورد نظر خود را بر یک ملت تحمیل می‌کند. در تهدید نرم، هدف تأثیرگذاران بر انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری و در نهایت سلب هویت‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی همچون روحیه مقاومت است و به دلیل غیر عینی بودن، عکس‌العمل (سریع و روشنی) ندارد (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۶).
- در راستای رفع کامل و یا کاهش اثرگذاری این تهدیدات شایسته است به موارد زیر توجه بیشتری مبذول گردد.
- ✓ دولتمردان و مسئولان ج.ا.ا باید ضمن توجه به تقویت جنبه سخت قدرت (تقویت توان نظامی و اقتصادی) توجه ویژه‌ای به قدرت نرم و ابعاد آن داشته باشند؛
- ✓ بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجهه‌ای مطلوب و مناسب برای انتقال درست پیام با تکیه بر ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، هنجاری و ارزشی و نهادی و عوامل زمینه‌ای چون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی در تقویت قدرت ج.ا.ا موثر خواهد بود؛
- ✓ توجه جدی ج.ا.ا به فعال سازی دیپلماسی در فضای مجازی؛
- ✓ تقویت بنیه‌های فرهنگی برای ارتقاء قدرت ملی با بهره‌گیری بیش از پیش از قابلیت‌های فضای مجازی؛
- ✓ توجه بیشتر در جهت تقریب مذاهب با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی، فرهنگی؛
- ✓ با عنایت به وجود تشابهات و تمایزات فرهنگی ج.ا.ا در منطقه با کشورهای همجوار با دارا بودن ویژگی‌های ژئوکالچر خاص که ریشه آن در دو مولفه مذهب (شیعه) و ملی (ایرانی) نهفته است در راستای ایفای نقش برتر منطقه‌ای باید به راهبردهای بازسازی روابط با کشورهای اسلامی و نیز گسترش همکاری‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی با کشورهای همجوار توجه بیشتری مبذول گردد؛

✓ تلاش برای رفع فقر و بی‌عدالتی فضایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور؛ توجه به تنوع تفاوت‌های فکری موجود در جامعه و تلاش در جهت نزدیکی و پیوندهای مختلف قومی - زبانی و نژادی؛ حرکتی آرام و پیوسته در جهت آگاهی بخشی به افکار عمومی توسط رسانه‌ها؛ افزایش مشارکت سیاسی در حل بحرانهای مختلف (حضور فعال و مؤثر در مجامع جهانی) و پرهیز از مباحث رادیکال بدون در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه کشورمان (قدرت ملی) در فضای سیاسی بین‌المللی، می‌تواند ضمن توسعه همه جانبه، امکان تقویت قدرت ملی و حضور فعال و مؤثر کشورمان در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته باشد؛

✓ ارتقاء کارکرد فرهنگی - اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها با تقویت هویت ایرانی - اسلامی (نه یک هویت صرفاً ایرانی یا یک هویت صرفاً اسلامی) در قالب توانمندسازی اقوام و فرصت‌سازی برای آنها و نظارت و هدایت بر فعالیت آنها، در جهت تحکیم انسجام ملی و مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده قوم‌مداری و فرقه‌گرایی در مناطق همجوار و تفکرات تجزیه‌طلب و مرکز‌گریز؛

✓ حیات و قوام ایران در بلند مدت از طریق اتکا همزمان بر مذهب شیعه و هویت ایرانی خواهد بود؛ چرا که توجه و تقویت فرهنگ و تمدن ایرانی، در برطرف کردن اختلافات مختلف سیاسی - حزبی، قومی - قبیله‌ای و مذهبی و... و نیز در پررنگ کردن مشترکات فرهنگی و منافع ملی تاثیرگذار است؛

در عصر حاضر یکی از الزامات توسعه در جمهوری اسلامی ایران برای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله تکیه بر همبستگی و اتحاد ملی و مشارکت عمومی برای همگرایی قومیت‌ها، مذاهب، اقلیت‌ها و گروههای قومی است. در این چارچوب تقویت کارکرد فرهنگی - اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها می‌تواند در قالب توانمندسازی اقوام و فرصت‌سازی برای آنها و نظارت و هدایت بر فعالیت آنها، چارچوب مناسبی برای تحقق اتحاد ملی در جامعه اسلامی پدید آورد. آنچه در بالا به آنها اشاره شد مواردی است که در صورت نبود عنایت ویژه دولتمردان و عدم بهره‌برداری مناسب از آنها می‌توانند تهدیدی جدی برای ج.ا.ا باشند و پتانسیل لازم برای کاهش قدرت ج.ا.ا را در منطقه و نظام بین‌الملل رقم بزنند.

پس از انقلاب اسلامی و با توجه به تحولات جهانی، دولتمردان به شاخص‌های مولد قدرت در بعد ملی توجه بیشتری نشان داده‌اند و توجه چندانی به مؤلفه‌های خارجی مؤثر در قدرت نداشته‌اند. در نتیجه شاخص‌های اثرگذار خارجی قدرت در کاهش قدرت ملی ایران مؤثر بوده‌اند.

مسلم است که افزایش اقتدار ملی و بین‌المللی در گرو ستیز با قدرت‌های بین‌المللی نیست؛ زیرا اگر چنین شود، کشور همواره یا در حالت جنگی است و یا در حالت نه جنگ و نه صلح به سر می‌برد و این روند زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکر امکانات و بسترهای توسعه کشور وارد می‌کند و ظرفیتهای دیپلماتیک و سیاست خارجی نیز هزینه مقابله با بحران‌هایی می‌شود که توسط قدرت‌های بزرگ برای کشور ایجاد می‌شوند. بنابراین اگر ایران بخواهد به یک قدرت برتر تبدیل شود، نیازمند جلب اعتماد دیگر بازیگران عرصه‌های نظام بین‌الملل است.

نتیجه‌گیری

اکنون آشکار گردیده که سیاست به تنهایی و بدون فرهنگ و اقتصاد قادر نیست محیطی شایسته و مطلوب و جهانی عاری از خشونت و درگیری برای انسانها فراهم سازد. در واقع سیاست، فرهنگ و اقتصاد همگی اجزا و تار و پود نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند که پرداختن به هر یک بدون در نظر گرفتن تأثیرات متقابل دیگری نتیجه منطقی دربر نداشته و تنها به درک مجرد و غیرواقعی از جهان منجر می‌گردد. بنابراین در راستای ارتقا قدرت ملی ج.ا.ا. توجه جدی به اهداف بلند مدت یعنی ایده حکومت جهانی اسلام، ایجاد جبهه متحد اسلامی و تحقق صلح و امنیت بین‌المللی؛ اهداف میان مدت یعنی ترویج ارزشهای دینی، کسب، حفظ و ارتقا سطح پرستیژ، حضور فعال و مؤثر در صحنه بین‌المللی؛ و همچنین اهداف حیاتی یعنی رفاه اقتصادی، صدور نفت و دستیابی به بازارهای فروش منطقه، تمامیت ارضی، امنیت ملی و وحدت ملی، دستیابی و بهره‌برداری مناسب حداکثری از تکنولوژی‌های پیشرفته و به‌ویژه نظارت و هدایت حداکثری فضای مجازی و فرهنگ‌سازی در استفاده از قابلیت‌های این فضا مورد تأکید است.

شایان ذکر اینکه خارج شدن از هژمونی قدرت‌های مسلط و رفع ذلت فرمانبری از آنها نه تنها در منطقه امری پیاده‌شدنی است بلکه زمینه‌های آماده‌ای دارد که می‌تواند همگرایی منطقه‌ای را به مراتب بیشتر از اروپا فراهم سازد. مبانی دین و فرهنگ اسلامی آنقدر جامعیت دارد که با توسل به قواعد آن و پرداختن به مشترکات و عدم تکیه بر خاص‌نگری‌های مذهب در تشکیل امت واحد بتوانیم عدم نیاز منطقه به حضور ناظم جهانی را به سرعت عیان ساخته تا منطقه بتواند با بهره‌گیری از منابع خود و تامین نیازهای اقتصادی، تجاری، امنیتی و علمی در این گستره وسیع، ناامنی تحمیلی و تاراج رفتن منابع خود را مانع شود.

منابع فارسی:

- اخباری، محمد، (۱۳۸۵)، استراتژی غرب تضعیف توان ژئوپلیتیک جهان اسلام است، نشریه رسالت.
- ایزدی، جهانبخش، (۱۳۹۰)، راهبردهای تحقق تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل، تهران: فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، بهار، ۱۳۹۰ شماره سوم، صص ۴۳-۶۷.
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیدی آوج، مریم (۱۳۸۸)، تحلیل ژئوپلیتیکی قومیت در ایران، فصلنامه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد گرمسار سال اول شماره سوم.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر ج.ا.ا، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۱-۲۱۱.
- حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، بدیعی (۱۳۸۳)، تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی ایران، سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۸)، ناامنی طبیعی و بازدارندگی توسعه (مورد: ایران)، مجموعه مقالات.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات آستان قدس رضوی.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، سمت.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، قدرت و منافع ملی (مبانی - مفاهیم و روش‌های سنجش)، تهران: نشر انتخاب.
- حجازی، سید حسین (۱۳۸۷)، ظرفیتهای قدرت نرم ج.ا.ا در مقابله با تهدیدات نرم امریکا. گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، فروردین - شماره ۲۷.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر، مجموعه مقالات اولین همایش انجمن ژئوپلیتیک تهران، انجمن ژئوپلیتیک تهران.
- خالیدی، حسین (۱۳۸۸)، تحلیل ژئوپلیتیک خورگردانی شمال عراق و تاثیر آن بر حرکت‌های قومگرایانه پیرامونی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- دادرس، محمدحسین (۱۳۹۵)، امنیت غرب آسیا در نظام قدرت، انتشارات دافوس آجا.

- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸)، **مقدمه‌ای بر قدرت ملی: کارکردها، محاسبه و سنجش**، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیخ عطار، علیرضا، (۱۳۸۴)، **دیپلماسی انرژی و امنیت ملی**، انتشارات وزات امور خارجه.
- کمپ، جفری (۱۳۸۴)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه متین، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی گروه مطالعات امنیتی، تهدیدات قدرت ملی شاخصها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
- گروه ریامونت بند (۱۳۷۸)، **نفط و سیاست در خاورمیانه**، ترجمه فریدون برکشلی، نشر قومس.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، ج.۱.۱ و **قدرت نرم (نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران)**، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۶) **بنیادهای علم و سیاست**، انتشارات قومس.
- قلی زاده و زکی، (۱۳۸۸)، **تحولات آینده انرژی جهان و جایگاه ایران**، نشر انتخاب.
- کریمی‌پور، یدا... و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، **ناحیه گرایسی سیاسی و ژئوپلیتیک قومیت‌ها در ایران**، تهران، نشر انتخاب.
- کلاهچیان، محمود، (۱۳۸۷)، «**مدل مطلوب تأمین امنیت ملی ج.ا.ا توسط منابع قدرت نرم**»، دانشنامه حقوق و سیاست، سال چهارم، شماره ۸، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- گروه ریامونت بند، ۱۳۸۷
- عزتی عزت الله، (۱۳۸۵)، **تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند**، فصلنامه ژئوپلیتیک ایران.
- عزتی عزت الله، (۱۳۸۰)، **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، فصلنامه ژئوپلیتیک ایران.
- عزتی، عزت الله، (۱۳۸۴)، **ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عزتی عزت الله، (۱۳۸۵)، **استراتژی امریکا در خلیج فارس**، همشهری دیپلماتیک.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران، سمت.

- مجله حضور، تابستان ۸۵. شماره ۵۷.
 - مهدیان، حسین (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک و امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دافوس.
 - موحدیان، رسول (۱۳۸۶)، چشم انداز خاورمیانه بزرگ (فراز و فرود دولت‌های ملی)، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
 - میلسن ژان و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، ناشر دانشگاه امام صادق و دبیرخانه همایش عملیات روانی، چاپ دوم.
 - مینایی، مهدی، (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
 - نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل)، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، دانشگاه امام صادق (ع) چاپ سوم.
 - نکنونام، محمدرضا، (۱۳۸۶)، «بایسته‌های دین پژوهی و معناشناسی»، انتشارات ظهور شفق، قم.
- منابع لاتین:
- <http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/۵۱۶>
 - [www.bp.com/statisticalreview/statistical review of world energy](http://www.bp.com/statisticalreview/statistical%20review%20of%20world%20energy) ۲۰۰۹
 - www.rastak.com
 - Zhang, Yazhi. (۲۰۰۱), *On the Disintegration of the Soviet Union, From the Perspective of Soft Power in Culture*, <http://dlb.ut.ac.ir/ldl۱>.